

# سیاست حقوق بشری اتحادیه اروپا مطالعه تطبیقی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی

دکتر مجید عباسی<sup>۱</sup>

احمد عزیزی<sup>۲</sup>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

<sup>۱</sup>. دانشیار روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبایی Dr.majidabbasi@gmail.com

<sup>۲</sup>. دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین الملل Ahmadazizi2882@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۴/۱۰ تاریخ تصویب: ۱۳۹۷/۵/۱۰

## چکیده

اتحادیه اروپا در برگیرنده کشورهایی است که دارای اصول، ارزش ها، هنجارها و فرهنگ مشترک هستند. به گونه ای که در سیاست مشترک خارجی و امنیتی این اتحادیه اصولی مانند: دموکراسی، حقوق بشر، مردم سالاری، حاکمیت قانون مطرح می باشد و یکی از شرایط اصلی عضویت در اتحادیه اروپا تاکید بر موارد نامبرده است. اهمیت این اصول تا اندازه ای است که اتحادیه اروپا در برقراری رابطه با کشورهای دیگر در زمینه های مختلف بر این اصول تاکید کرده است. برای مثال، در موافقتنامه های منعقد شده بین اتحادیه اروپا و کشورهای دیگر بندی به نام حقوق بشر مطرح می گردد. این امر به این معناست که اتحادیه اروپا برقراری رابطه با کشورهای دیگر را مشروط به رعایت حقوق بشر توسط آن کشورها کرده است. برغم تاکید این اتحادیه بر رعایت حقوق بشر و معرفی حقوق بشر به عنوان مبنای ایدئولوژیک این اتحادیه و تاکید بر عوامل حقوق بشری چون دموکراسی، حقوق بشر، حاکمیت قانون و مردم سالاری، رفتار این اتحادیه در عمل مغایر بوده به گونه ای که دارای رفتار متعارض و دوگانه در رابطه با نقض موارد حقوق بشر در قبال کشورهای مورد بررسی (جمهوری اسلامی ایران، عربستان سعودی) بوده است. سوالی که در این مقاله مطرح شده این است که سیاست حقوق بشری اتحادیه اروپا در قبال جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی چگونه است؟ پاسخی که به عنوان فرضیه مطرح می گردد این است که سیاست حقوق بشری اتحادیه اروپا به دلیل روابط سیاسی، تجاری- اقتصادی متفاوت با کشورهای نامبرده به صورت متعارض و دوگانه است. این مقاله در تلاش است به شیوه ای تطبیقی نقض استانداردهای حقوق بشری مورد نظر و تعریف شده، از سوی اتحادیه اروپا در قبال جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی را تحلیل و تاثیر رفتار آن بر سیاست خارجی این اتحادیه در قبال آنها را بررسی نماید.

واژگان کلیدی

حقوق بشر، اتحادیه اروپا، عربستان سعودی، جمهوری اسلامی ایران، فرهنگ.

## مقدمه

امروزه مقوله حقوق بشر به یک گفتمان موثر و غالب در سیاست و روابط بین الملل تبدیل شده است. تا جایی که اکنون و در قرن حاضر می توان ادعا نمود، بزرگترین اجماع جهانی، اعتقاد راسخ نسبت به حمایت از حقوق بشر است. این موضوع در کنار توسعه، صلح و امنیت به عنوان پایه های فعالیت و عملکرد سازمان ملل متحد در نظر گرفته شده است. امروزه تاثیرات متقابل مقوله حقوق بشر و مناسبات قدرت در سطح جهانی امری انکارناپذیر است. در بسیاری از مقاطع تاریخی، روابط و مناسبات سیاسی و حتی اقتصادی کشورها، تحت الشعاع مقوله حقوق بشر قرار گرفته و متقابلاً حقوق بشر نیز به کرات تحت تاثیر مناسبات قدرت بوده است. طی دهه های گذشته، حقوق بشر در بسیاری از پیمانهای سیاسی، نظامی و امنیتی در سطح منطقه ای و بین المللی نقش موثر و در برخی مقاطع نقشی تعیین کننده داشته است. از سوی دیگر، در زمینه تاثیرات متقابل حوزه حقوق بشر و حوزه سیاست، می توان گفت که حقوق بشر در بسیاری از مقاطع از جمله فعل و انفعالات مربوط به نظارت بین المللی حقوق بشر تابعی از مناسبات مبتنی بر قدرت بوده است. (غائبی، ۱۳۸۸: ۴۵-۴۶)

شاید برای بسیاری از اندیشمندان در شرایط فعلی و با توجه به ذهنیت و سابقه ای که از کشورهای اروپایی (و یا به شکل کلی تر از غرب) دارند، به سختی قابل پذیرش باشد که اعضای اتحادیه اروپا، که برخی از آنها از استعمارگران قدیمی هستند، تا این حد برای حقوق بشر اهمیت قائل باشند، سیاست خارجی و امنیتی مشترک اتحادیه اروپا بر اساس احترام به حقوق بشر، آزادی های اساسی و حاکمیت قانون می باشد که دولت‌های اروپایی را به پیگیری اهداف تعیین شده موظف می کند، طی دهه گذشته اتحادیه اروپا با هدف ارتقا و حمایت از حقوق بشر و آزادی های اساسی به تصویب تعدادی از معیارها، ضوابط و دستورالعمل های جمعی در زمینه حقوق بشر اقدام کرده است. برقراری نظارت بین المللی در باب حقوق بشر، روابط اقتصادی با کشورهای ثالث، افکار عمومی جهان و مشارکت کشورهای غیر غربی در مدیریت و بدنه سازوکارهای بین المللی از

جمله موضوعات و بسترهای تحت تاثیر سیاست خارجی حقوق بشری کشورهای عضو اتحادیه اروپا است. در چهارچوب این سیاست خارجی و امنیتی سه عنصر حقوق بشر، امنیت و اقتصاد دارای ارتباط تعریف شده ای هستند که زمینه را برای استفاده ابزاری از حقوق بشر بویژه در صحنه روابط دو جانبه، منطقه ای و بین المللی آماده کرده و دست اتحادیه اروپا را برای پیشبرد منافع خود در قالب یک برنامه مدون باز گذاشته است. در این عامل، حقوق بشر در مناسبات سیاسی و اقتصادی و در سیاست بین المللی اتحادیه اروپا با کشورهای ثالث به درجات مختلف تاثیرگذار و در برخی مقاطع غالب است. (غائبی، ۱۳۸۸: ۴۶-۴۷)

سوالی که در این مقاله مطرح شده این است که سیاست حقوق بشری اتحادیه اروپا در قبال جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی چگونه است؟ پاسخی که به عنوان فرضیه مطرح می گردد این است که سیاست حقوق بشری اتحادیه اروپا به دلیل روابط سیاسی، تجاری - اقتصادی متفاوت با کشورهای نامبرده به صورت متعارض و دوگانه است. روش بکار برده شده در این مقاله روش تطبیقی - مقایسه ای با کاربست نظریه نهادگرایی نئولیبرال است. رویکرد نظری مقاله حاضر بر اساس چهارچوب نظری نهادگرایی نئولیبرال مورد بررسی قرار گرفته که به توضیح پیرامون آن می پردازیم.

### ۱- چارچوب نظری: نهادگرایی نئولیبرال

نظریه نهادگرایی نئولیبرال شاخه ای از نظریه لیبرالیسم است. در دهه ۱۹۸۰ کثرت گرایی به نهادگرایی نئولیبرال تغییر شکل داد. یکی از اشکالات به کار بردن عنوان قبلی این بود که تعداد اندکی از متفکرین واقعا خود را به این جنبش نسبت می دادند. برعکس نهادگرایی نئولیبرال توانست بسیاری از متفکرین بانفوذ در این رشته را به خود جلب نماید. اصولا نهادگرایان نئولیبرال دولت را به عنوان نماینده مشروع جامعه مسلم فرض می کنند و برخی از آنان بازیگران غیردولتی را تابع دولت می دانند. همچنین، آنان وضعیت ساختاری آنارشی (فقدان اقتدار مرکزی) را در نظام بین الملل می پذیرند ولی از نظر آنان وجود آنارشی به معنی غیرممکن بودن همکاری میان دولتها نیست. کما اینکه افزایش رژیم های بین المللی این موضوع را به ثبوت می رساند. به طور کلی باید

اذعان داشت که بر این اساس رژیم ها و نهادهای بین المللی می توانند وضعیت آنارشی را تغییر دهند. نهادگرایی نئولیبرال بر این اعتقاد است که همگرایی در سطوح منطقه ای و جهانی رو به افزایش است. همچنین بر اساس این رویکرد دولتها تمایل زیادی دارند تا همکاری خویش را با دیگران توسعه دهند، حتی اگر احساس کنند که دولت دیگر از این تعامل و همکاری، منافع بیشتری نصیب می گردد. به عبارت دیگر، برای نهادگرایان نئولیبرال منافع مطلق مهمتر از منافع نسبی است (که نئورئالیستها به دنبال آن می باشند) گاهی به نظر می رسد که در روابط بین الملل نهادگرایی نئولیبرالیسم به رئالیسم معاصر نزدیکتر باشد تا به سنت تفکر لیبرال. (قوام، ۱۳۸۸: ۳۵۳-۳۵۲)

نظریه نهادگرایی نئولیبرالیسم ترکیبی از نئولیبرالیسم و نوکارکردگرایی می باشد. در این راستا، کشورهای اروپایی اصولا لیبرال بوده و همواره به همکاری و ارزش های حقوق بشری اهمیت زیادی می دهند. از طرفی، اتحادیه اروپا به عنوان کنشگر عقلانی در می یابد که باید به همکاری رو آورد و سود و منافع خود را از طریق آن افزایش دهد، اما منفعت به مفهوم رئالیستی آن، مورد اهمیت قرار می گیرد. همچنین از آنجایی که تعهدات و استانداردهای بین المللی حقوق بشری، عناصری ارزشی می باشند، از این رو اتحادیه اروپا به شیوه ای هوشمندانه سعی می نماید بر اساس دموکراسی، ارزش های که بر طبق این چهارچوب بوده، در جهت رسیدن به منافع خود استفاده ابزاری نماید. (الوندی و کیانی، ۱۳۹۳: ۲-۳) یکی از مسائل مطرح در زمینه نهادگرایی نئولیبرال بحث رژیم های بین المللی می باشد. به عبارتی تعدادی از کشورها که دارای اشتراکات در زمینه های مختلف می باشند در چهارچوب سازمانها و نهادهای بین المللی و از طریق کاهش توقعات و منافع فردی خود در چهارچوب رژیم های بین المللی به همکاری می پردازند. رژیم های بین المللی در زمینه های مختلف بوجود می آیند که برای مثال می توان به رژیم های بین المللی حقوق بشری که در چهارچوب نظریه نهادگرایی نئولیبرال مطرح می شود اشاره کرد.

در رابطه با رژیم های حقوق بشری بین المللی می توان گفت که نظریه نهادگرایی نئولیبرال به رژیم های بین المللی توجه ویژه ای دارد و در چهارچوب لیبرالیسم روابط بین المللی جای می گیرد، رژیم های بین المللی در واقع بیان شناسایی اصول، هنجار و

قواعد و رویه های تصمیم گیری کنشگران در یک حوزه موضوعی مشخص است. تعریف معیار فوق توسط استفان کراسنر مورد استفاده قرار گرفته است. در سیاست کاربرد رژیم ها در چهارچوب رفتار، روش یا سامانه و قاعده دولت است. به عبارتی رژیم در سیاست، سامانه یا نهادی است که نفوذ گسترده ای داشته باشد. در زبان فرانسه نیز رژیم در رابطه با سامانه ی قواعد حقوقی یا تعهدات، تفسیر می شود. در سیاست بین الملل، آنارشی یک قاعده است اصولاً رژیم های بین المللی، هنجارها یا قواعد و رویه های تصمیم گیری در حوزه موضوعی است که عناصر نظم را بوجود می آورند، این امر برغم ساختار آنارشیک سامانه بین الملل است. در همین راستا، رژیم های حقوق بشری با توجه به ساختار آنارشیک سامانه بین المللی، همکاری دولت ها در گسترش اصول حقوق بشر را ایجاد می کنند. مهمترین هنجارهای رژیم حقوق بشری، اعلامیه جهانی حقوق بشر در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ است که توسط مجمع عمومی به تصویب رسید. میثاق های ۱۹۶۶ نیز در برگیرنده هنجارهای حقوق بشر، به عنوان هنجارهای رژیم مطرح هستند که به حقوق سیاسی - مدنی و حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تقسیم می شوند. در مورد حقوق بشر این نکته اهمیت دارد که رژیم های حقوق بشری بایستی توسط دولتها و گروهی از آنها مانند عرضه و تقاضا (در اقتصاد) باشد. در همین رابطه رابرت کوهن معتقد است که رژیم ها وقتی گسترش و افزایش می یابند که تقاضاهای بین المللی مکفی توسط (دولت یا گروهی از دولت ها) مطرح باشد، و آنها قادر باشند بستر این هنجارها را بوجود آورند. هنجارهای بین المللی و رویه ای تصمیم گیری در حوزه موضوعی حقوق بشر به طور اساسی نوعی سازوکار بین المللی برای حل جمعی مشکلات ملی به طور اصولی خواهد بود چرا که ما با یک وابستگی متقابل اخلاقی مواجهیم. در کل لیبرالیسم سنتی و نهادگرایی نئولیبرال همگی به نوعی حقوق بشر را چه به لحاظ فلسفی - فطری یا منزلت انسانی و چه به عنوان ابزار سود و زیان دولتها و یا بر مبنای عقلانیت مورد توجه قرار داده اند. می توان گفت که حقوق بشر در بطن گفتمان لیبرالیسم گسترش یافته است. (مصفا و ابراهیمی، ۱۳۸۷: ۲۶۸-۲۶۷)

چرای انتخاب این نظریه به عنوان چهارچوب نظری، به آن دلیل است که مقاله قصد دارد سیاست خارجی یک سازمان مانند اتحادیه اروپا در قبال جمهوری اسلامی

ایران و عربستان سعودی را از منظر حقوق بشر بررسی نماید. این نظریه نگاه ویژه ای به سازمان ها و نهادهای بین المللی دارد و به نقش آن در بین کشورها و هم درون کشورها اهمیت ویژه ای می دهد. تاکید بر مولفه های منفعت، عقلانیت و همکاری در ابعاد گوناگون سیاست خارجی اتحادیه اروپا و نزدیکی این مولفه ها با گزاره های اصلی نهادگرایی نئولیبرال و قرابت هر چه بیشتر مولفه های فوق با نهاد قدرتمندی چون اتحادیه اروپا دلیل عمده برگزیدن این نظریه به عنوان چهارچوب نظری در مقاله پیش رو می باشد.

## ۲- ترتیبات (اتحادیه) اروپایی موثر در عرصه حقوق بشر

حقوق بشر به هیچ فرهنگی بیگانه نیست. این حقوق، حقوقی جهانی است. همانگونه که تاریخ خونین این قرن به ما آموخته، عدم توجه به حقوق بشر، ریشه در فقر و خشونت سیاسی دارد که در حال حاضر یکی از موضوعات مبتلا به عصر ما تلقی می گردد. در حال حاضر، این امر تقریباً در سطح جهانی پذیرفته شده است که احترام به حقوق بشر و آزادی های اساسی برای دستیابی به سه اولویت شناخته شده جهانی یعنی صلح، توسعه و دموکراسی ضروری است. به دیگر سخن، ایجاد جهانی سرشار از احترام به حیثیت بشری و عدالت اجتماعی یک وظیفه یا مسئولیت همگانی به حساب می آید. در اروپای بعد از جنگ جهانی دوم، حقوق بشر و آزادی های اساسی محور اصلی تحولات سیاسی بوده اند، شورای اروپا با گستره جغرافیایی وسیع به همین منظور تاسیس شده است. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و منشور اجتماعی اروپا، از ابزارهای قانونی نظم عمومی اروپا در این دوران به شمار می روند، با این همه این حرکت عمومی با واقعیات موجود اجتماعی ناسازگار بوده به گونه ای که هنوز در اغلب کشورهای اروپایی موارد متعدد از نقض حقوق بشر به چشم می خورد. اتحادیه اروپا در دوران بعد از جنگ سرد، جهانی سازی حقوق بشر را به مبنای ایدئولوژیک سیاست خارجی خود بدل ساخته است و با اجرای پیمان ماستریخت، احترام به حقوق بشر و آزادی های اساسی به شرط اساسی عضویت در اتحادیه اروپا مبدل گشته و نقض جدی و دائمی آن می تواند به تعلیق عضویت کشور مورد نظر منجر شود. به عبارت دیگر حقوق بشر، یکی

از اهداف سیاست خارجی و سیاست امنیتی مشترک اتحادیه اروپا به شمار می رود. اروپا دارای یکی از منسجم ترین ترتیبات منطقه ای حقوق بشر در سراسر جهان است. سه دهه بعد از معاهده رم، اتحادیه اروپا در زمینه گنجاندن حقوق بشر در سیاست خارجی خود، اقدامی مهم انجام داد و این موضوع با امضای معاهده اتحادیه اروپایی در نوامبر ۱۹۹۳ وارد مرحله اجرایی گردید. معاهده مذکور توسعه و تحکیم مردم سالاری، حاکمیت قانون و احترام به حقوق بشر و آزادی های اساسی را هدف اصلی سیاست خارجی و امنیتی اتحادیه اروپا قرار داد. به نظر می رسد حقوق بشر در هر دو سیاست داخلی و خارجی اتحادیه اروپا نقش مهمی را ایفا می نماید. (Alston, 2000: 156)

### ابزارهای اصلی حقوق بشر اتحادیه اروپا

حقوق بشر سنگ بنای سیاست خارجی اتحادیه اروپا است. این نخستین جمله متنی است که در خصوص سیاستهای کلی اتحادیه اروپا در سایت اینترنتی این اتحادیه ادعا شده است. همچنین، طبق ماده یک کنوانسیون اروپایی حقوق بشر دولت های عضو باید حقوق و آزادی های به رسمیت شناخته شده در این سند را در قبال تمام افراد تحت صلاحیت خود تضمین نمایند. در حقیقت از سال ۱۹۷۹ که نخستین دوره پارلمان اروپا آغاز به کار کرد، مساله حقوق بشر به طور گسترده در گزارشات، قطعنامه ها، بیانیه ها و فعالیتهای آن مطرح شده است. پارلمان اروپا حتی در مقاطعی با توجه به نگرانی های حقوق بشری، از تایید موافقت نامه های زیادی که بین اتحادیه اروپا با کشورهای نظیر ترکیه، سوریه، مراکش و رژیم صهیونیستی امضا شده بود، خودداری کرده است. در واقع، اصلی که طبق آن حقوق بشر باید معیار اصلی روابط خارجی اتحادیه اروپا باشد، مورد توجه اعضای آن قرار دارد. در این راستا در بیانیه وزرای امور خارجه اتحادیه اروپا در سال ۱۹۹۶ آمده است که: با توجه به اینکه حقوق بشر یکی از پایه های اصلی همکاری اتحادیه اروپا می باشد، رعایت آن وظیفه قانونی و مداوم جامعه جهانی و هر ملت است. بنابراین، اظهار نگرانی در مورد نقض این حقوق، نمی تواند به عنوان مداخله در امور داخلی یک دولت محسوب شود. لذا پس از این بیانیه، شاهد هستیم که اتحادیه اروپا با



صراحت بیشتری جهت ارتقای مداوم سطح حقوق بشر، در موافقتنامه های همکاری و اقتصادی با کشورهای در حال توسعه، بندهایی را نیز به حقوق بشر اختصاص داده است.

### ادغام حقوق بشر و اصول دموکراتیک در اتحادیه اروپا

بر طبق نظریه اروپایی حقوق بشر، بسیاری از فرهنگها و تمدنها، اندیشه ها و ایده هایی درباره ارزش ذاتی شان و منزلت بشر ارائه کرده اند، اما این نظریه که انسان ها دارای حقوقی هستند، اختصاص به اروپاییها دارد. این نظریه در قرون وسطی ریشه دارد و در قوانین تعداد اندکی از کشورها در اوایل عصر مدرن (مانند لایحه حقوق مصوب ۱۷۹۱ ایالات متحده) گنجانیده شد. البته پیش از آن در سال ۱۷۸۹، انقلاب فرانسه دامنه حقوق بشر را با بیانیه حقوق افراد و شهروندان گسترش داد. مکاتب فکری و سیاستمداران در عصر انقلابی قرن هجدهم به شکلی محتاطانه تعریف افراد را با به رسمیت شناختن حقوق زنان توسعه دادند و از طریق مبارزه با تجارت برده که بوسیله غیر اروپایی ها انجام می شد، در قرن نوزدهم مواضع خویش را مستحکم ساختند. این اقدام های مقدماتی زمینه را برای آغاز روند جهانی شده حقوق بشر در دوره پس از ۱۹۴۵ فراهم ساخت. در اینجا ما شاهد شکل گیری مجموعه معاهدات و اعلامیه های جهانی و منطقه ای در باره حقوق بشر و پیدایش سازمان های غیردولتی از قبیل عفو بین الملل که خود راوقف اجرای معاهدات و اعلامیه های حقوق بشری نموده اند، بوده ایم. (عباسی، ۱۳۹۲: ۱۷۶-۱۷۷)

### پیشبرد حقوق بشر و روند مردم سالاری در روابط خارجی

اتحادیه اروپا به منظور پیشبرد اهداف حقوق بشر و روند مردم سالاری در روابط خارجی از ابزارهای مختلفی استفاده می کند. برخی از این ابزارها همان ابزارهای دیپلماسی و سیاست خارجی مانند اعلامیه ها، اقدامات سیاسی و نیز قطعنامه ها و مداخلات در چارچوب سازمان ملل متحد هستند. علاوه بر این، اتحادیه اروپا از طریق برنامه های مختلف همکاری و کمک که در کشورهای ثالث اجرا می کند و از طریق گفتگوهای سیاسی که با آنها انجام می دهد، به پیشبرد حقوق بشر و روند دموکراسی

می پردازد. برای این کار اتحادیه اروپا از مبنای حقوقی خاصی پیروی می کند که به نام بند حقوق بشر شناخته می شود و تقریباً در تمامی موافقت نامه های اتحادیه اروپا با کشورهای ثالث، به عنوان یکی از شرط ها و مولفه های اساسی گنجانده می شود. اتحادیه اروپا دارای ابزارهای متنوعی برای توسعه حقوق بشر در کشورهای ثالث است. (عباسی، ۱۳۹۲: ۱۷۹-۱۸۰) سایر ابزارها شامل مجموعه ای از تحریم ها، ابزارهای همکاری مالی و گفتگوهای دوجانبه می گردد که تکمیل کننده موارد قبلی به شمار می آیند. برخی از این ابزارها، ابتکارات جدیدی هستند که دارای اهداف حقوق بشری و دموکراسی سازی هستند که از آنها در حوزه های سیاست گذاری مانند محیط زیست، تجارت، اطلاع رسانی و مهاجرت استفاده می شود. به همین منظور کمیسیون اروپا و شورای اروپا یک پیمان الزام آور مشترک را برای تضمین استمرار فعالیت های خارجی به اجرا می گذارند تا از پیوستگی و کارآمدی ابزارهای مختلف مورد اشاره مطمئن گردند. این تلاش ها، در درون این دو نهاد و شرکای سازمانی آنها، شامل پارلمان اروپا نیز تعقیب می گردد. پارلمان اروپا، در سیاستهایی که در این حیطه تعقیب می شوند، از طریق کمک به تضمین مشروعیت دموکراتیک روزافزون مشارکت کاملی دارد. در این ارتباط، پارلمان اروپا با طرح سوال و تحقیقات، بحث و گفتگو، تصویب قطعنامه های حقوق بشری، اعزام هیئت های پارلمانی بین المجالس به کشورهای جهان سوم، داشتن ارتباط مستمر با سازمان های حقوق بشری و مدافعان حقوق بشر، در این زمینه به فعالیت می پردازد. کمیسیون اروپا نیز در موارد مقتضی، با تبادل منظم دیدگاه ها با پارلمان اروپا و انعکاس اولویت های پارلمان در رهیافت کمیسیون، به بهترین نحو از پیوستگی و ثبات رهیافت در این زمینه مطمئن می شود. کمیسیون همچنین، پارلمان را در مباحث مربوط به طرح ریزی اولویت ها، به منظور اعطای کمک های خارجی در زمینه حقوق بشر و دموکراسی سازی، مشارکت می دهد. به علاوه، کمیسیون، به طور منظم پارلمان را در جریان آخرین اقدامات به عمل آمده و ارزیابی از میزان دسترسی به اهداف مورد نظر، قرار می دهد. کمیسیون در این زمینه، نقش منحصر به فرد ارتقای ثبات در فعالیت های جامعه اروپا (فعالیت های اتحادیه و کشورهای عضو) را بر عهده دارد. کمیسیون

همچنین، از طریق مشارکت در بحث های شورا و نظارت بر توسعه وضعیت های حقوق بشری در عرصه بین المللی، مطمئن می شود تا اولویت های سیاسی اتحادیه و سیاست مشترک خارجی و امنیتی توسط جامعه اروپا منعکس گردد و نقطه نظرات جامعه اروپا را نیز، در طرح ریزی گزارش سالانه شورا در مورد حقوق بشر (که از سال ۱۹۹۹ آغاز شده است) لحاظ می کند. (غائبی، ۱۳۸۸: ۵۱-۴۹)

### ۳- سیاست حقوق بشری اتحادیه اروپا در قبال جمهوری اسلامی ایران

از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران، رفتار اتحادیه اروپا در قبال ایران با فراز و نشیب هایی همراه بوده است. در چند دهه اخیر، بخش مهمی از روح روابط حاکم میان اتحادیه اروپا با سایر کشورها را مسائل حقوق بشری تشکیل می دهد و این امر در مورد روابط این اتحادیه با جمهوری اسلامی ایران نیز صادق بوده است. با این حال، میزان افت و خیز ناشی از تاثیر مسائل و اتهامات حقوق بشری بر نگاه اروپا به رابطه با جمهوری اسلامی ایران در برخی مقاطع به اندازه ای پر رنگ شده که کل فضای رابطه را تحت تاثیر قرار داده است، به گونه ای که بهره های اقتصادی و یا سیاسی ناشی از روابط، هر دو به سویی کنار نهاده شده و نقش اول به حقوق بشر داده شده است. (گلشن پژوه، ۱۳۹۰: ۴۷) در روابط ایران و اتحادیه اروپا پس از انقلاب اسلامی، از یک سو می توان طیفی از محکومیت ها، قطعنامه ها و بیانیه های نهادهای مختلف اروپایی همچون پارلمان و اتحادیه را مشاهده نمود و از سوی دیگر، آغاز و البته افول گفتگوهای انتقادی و سپس سازنده حقوق بشری را نیز دید. در این راستا، ارتباط اتحادیه اروپا، به خصوص از مسیر پارلمان اروپا با مسئله حقوق بشر در ایران بیشتر جنبه انتقادی داشته و طی نزدیک به یک دهه می توان بیش از ۱۸ قطعنامه پارلمان علیه ایران را که در خصوص حوزه های متنوع همچون ادعاهای فقدان آزادی مطبوعات و وضعیت زندانیان سیاسی را مشاهده نمود. در همین مدت، پارلمان اروپا به انتقاد از وضعیت حقوق بشر در ایران در مفاد گزارش های سالیانه خود نیز پرداخته است.

## پارلمان اروپا و حقوق بشر در ایران

پارلمان اروپا، یکی از نهادهای فعال در زمینه انتقادات حقوق بشری علیه جمهوری اسلامی ایران بوده و همواره از طریق صدور قطعنامه و تدوین گزارشات نقش مهمی در منفی نمودن افکار عمومی در عرصه بین المللی ایفا نموده و همچنین به طور غیرمستقیم بر قطعنامه های سازمان ملل تاثیرگذار بوده است. (الوندی و کیانی، ۱۳۹۳: ۷) پارلمان اروپا مایل است که در زمینه تبادل اطلاعات و تجربیات حقوقی، تدوین قوانین شفاف به منظور نظام مند کردن مبارزه با قاچاقچیان مواد مخدر و تطهیر پول (پولشویی) با ایران همکاری کند. چارلز گرانت (مدیر مرکز اروپایی اصلاحات) در سخنان خود گفت: برغم اهمیت مساله حقوق بشر برای اتحادیه اروپایی این مساله در روابط با ایران دارای اولویت نیست و ساده تر آن است که ایران در موضوعات سیاست خارجی نظیر برنامه هسته ای، مبارزه با تروریسم و همکاری در خصوص افغانستان و عراق تحت تاثیر قرار گیرد و ملاحظه شود. این مساله در بیان مسئولان اتحادیه نیز بیان گردید. تاکنون چندین بار هیات هایی از پارلمان اروپا و پارلمان ایران با یکدیگر دیدار و درباره مسائل مربوط به حقوق بشر با یکدیگر مذاکره و گفتگو کرده اند. (ولدانی، ۱۳۸۲: ۴۶-۴۷) در ادامه، برای مثال به بررسی یک نمونه از قطعنامه هایی که توسط نهاد پارلمان اروپا در رابطه با موضوعات حقوق بشر علیه جمهوری اسلامی ایران تصویب و منتشر گشته است، می پردازیم:

### - قطعنامه پارلمان اروپا مورخ ۱۳ ژانویه ۲۰۰۴

این قطعنامه با ۱۰۴ رای موافق، دو مخالف و پنج غایب در روز ۱۳ ژانویه سال ۲۰۰۴ از سوی اعضای پارلمان اروپا به تصویب رسید. صدور این قطعنامه در حالی صورت گرفت که در چند هفته قبل از آن با اوج گرفتن ادعاهای مرتبط با پرونده وبلاک نویسندگان و همچنین احضار خانم شیرین عبادی به دادگاه انقلاب و موضع گیری وزارت امور خارجه آمریکا در این خصوص، موضوع حقوق بشر و استفاده ابزاری از آن جهت اعمال فشار علیه جمهوری اسلامی ایران ابعاد گسترده ای به خود گرفته بود. (عباسی، ۱۳۹۲: ۳۲)

**– قطعنامه پارلمان اتحادیه اروپا در مورد وضعیت حقوق بشر ایران مورخ ۱۶ نوامبر سال ۲۰۰۶**

در این قطعنامه در موارد زیر از جمهوری اسلامی ایران انتقاد شده است:

در مورد مجازات اعدام: اعمال این مجازات به ویژه در مورد افراد کم سن و سال را محکوم کرده و مدعی شده آمارها و گزارش ها حاکی از آن هستند که همچنان افراد زیر ۱۸ سال در ایران اعدام می شوند. در زمینه حقوق اقلیت ها: به اصل پانزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در مورد تدریس زبان های قومی، مواردی همچون توهین یک روزنامه دولتی به آذری زبان ها، تبعیض نسبت به کردها و صدور حکم اعدام برای بمب گذاران اهوازی به عنوان مصادیق نقض حقوق بشر در ایران اشاره شده است. در زمینه آزادی مذهب: از تبعیض مذهبی و سرکوب پیروان اقلیت ها، که مذهب آنان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به رسمیت شناخته نشده از جمله فرقه ضاله بهائیان و اهل تصوف، سخن به میان آمده است. در زمینه آزادی مطبوعات: به بازداشت روزنامه نگاران و وبلاگ نویسان، مسدود کردن سایت های اینترنتی، ممنوع الخروج کردن برخی از روزنامه نگاران و جمع آوری آنتن های ماهواره اشاره شده است. در زمینه حقوق زنان: از ایران خواسته شده که به عضویت کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان درآید. (خرازی، ۱۳۸۵: ۳-۴)

**– قطعنامه پارلمان اروپا در زمینه مجازات اعدام در ایران مورخ ۴ سپتامبر ۲۰۰۸**

در ۴ سپتامبر ۲۰۰۸ قطعنامه ای از سوی پارلمان اروپا با عنوان مجازات اعدام علیه جمهوری اسلامی ایران، مورد تصویب قرار گرفت. این قطعنامه شامل ۱۲ بند بوده و حول محورهایی مرتبط با رویه محکومیت قانونی و مجازات اعدام در کشور ایران می باشد. این قطعنامه، بیانیه و اعلامیه های منتشره در سال ۲۰۰۸ از دفتر ریاست اتحادیه اروپا را مورد تاکید قرار داده و از میزان اعدام ها در سال ۲۰۰۸ در ایران (تعداد ۱۹۱ نفر) اظهار نگرانی عمیقی نموده است. همچنین مجازات اعدام کودکان را بر طبق قوانین بین الملل، ماده ۶ (بند ۵) میثاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی و حقوق کودک

ممنوع دانسته است. قطعنامه ادعا کرده است که حداقل ۱۳۰ مورد محکومیت به اعدام در ایران در سال ۲۰۰۸ گزارش شده، که برخلاف تعهدات بین المللی دولت ایران می باشد. (قطعنامه ۴ سپتامبر ۲۰۰۸ پارلمان اروپا علیه ایران، ۲۰۱۶)

#### – قطعنامه پارلمان اروپا در زمینه وضعیت اقلیت های قومی در ایران در مورخ ۱۴ ژوئن ۲۰۱۲

همچنین قطعنامه ای از سوی پارلمان اروپا علیه جمهوری اسلامی ایران، در تاریخ ۱۴ ژوئن ۲۰۱۲ با عنوان وضعیت اقلیت های قومی منتشر گشت. این قطعنامه شامل ۱۰ بند بوده و موارد نقض حقوق بشر از قبیل منع آزادی بیان، عقیده و اجتماعات و منع برخورداری از حقوق اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را در بین اقلیت های بهایی و صوفی را بیان نموده و آن را محکوم کرده است. (قطعنامه ۱۴ ژوئن ۲۰۱۲ پارلمان اروپا علیه ایران، ۲۰۱۶)

#### – قطعنامه پارلمان اروپا مورخ ۳۱ آوریل ۲۰۱۴

پارلمان اروپا قطعنامه ای تحت عنوان استراتژی اتحادیه اروپا نسبت به جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۳۱ آوریل ۲۰۱۴ صادر و پس از تصویب نهایی به نهادهای اجتماعی اتحادیه اروپا، پارلمان ها و دولت های اروپایی ابلاغ نمود. این قطعنامه حول محورهایی شامل مسئله هسته ای، چشم انداز مناسبات ایران با اتحادیه اروپا، مسائل منطقه ای و حوزه حقوق بشر می باشد که در ۲۳ بند تنظیم گردیده است. اتحادیه اروپا در این قطعنامه موارد نقض های حقوق بشری در ایران نظیر ممنوعیت آزادی بیان و عقیده، ممنوعیت آزادی اطلاعات، ممنوعیت آزادی اجتماعات، ممنوعیت آزادی جنبش های مدنی نقض حقوق زنان، مجازات اعدام، محاکمات ناعادلانه و قوانین کیفری، تبعیض های جنسیتی و گرایش های جنسیتی اظهار نگرانی شدید کرده و از مقامات ایرانی می خواهد همه مدافعان حقوق بشر، زندانیان سیاسی، فعالان اتحادیه صنفی و کارگری و دستگیرشدگان انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۹ در ایران را آزاد نماید و همچنین در رابطه با شمار زیاد اعدام ها (به ویژه بهائیان) در سال ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ هشدار می

دهد. افزون بر آن، اتحادیه اروپا معتقد است انتخابات ۲۰۱۳ ریاست جمهوری ایران مطابق با استانداردهای دموکراتیک، مد نظر آنها برگزار نگردیده و به اعلامیه های مصوب در مورد معیار انتخابات آزاد و سالم در تاریخ ۲۶ مارس ۱۹۹۴ در اتحادیه بین المجالس که دولت ایران نیز یکی از اعضای آن می باشد، اشاره می نماید. پارلمان اروپا در این قطعنامه، تاکید می نماید در کلیه روابطش با ایران مسئله حقوق بشر را در اولویت قرار خواهد داد و همچنین از اتحادیه اروپا می خواهد گفتگو درباره حقوق بشر با جمهوری اسلامی ایران را در ارتباط با مسائل قضایی و امنیتی آغاز نماید. از نکات مثبت این قطعنامه، استقبال از طرح دکتر روحانی برای تنظیم منشور حقوق شهروندی و استقبال از آمادگی دولت ایران برای برقراری روابط شفاف و سازنده تر با غرب را می توان برشمرد. البته متذکر می شود که حقوق شهروندی باید کاملاً با تعهدات بین المللی ایران به ویژه عدم تبعیض و حق حیات، ترویج ممنوعیت شکنجه، تضمین آزادی کامل مذاهب و تضمین آزادی بیان منطبق باشد و معتقد است هم اکنون این حقوق با تعریف مبهم جرائم مرتبط با امنیت ملی محدود شده است. (قطعنامه ۳۱ آوریل ۲۰۱۴ پارلمان اروپا علیه ایران، ۲۰۱۶)

### کمیسیون اروپا و حقوق بشر در ایران

با توجه به اینکه بر اساس معاهده لیسبون، نماینده ارشد سیاست خارجی اتحادیه اروپا همزمان معاون ریاست کمیسیون اتحادیه اروپا می باشد، لذا مجموع اسناد صادره حقوق بشری از سوی نماینده عالی سیاست خارجی اتحادیه اروپا و همچنین اسناد صادره توسط شورای وزیران و سایر نهادها (بجز پارلمان اروپا) در ذیل اسناد کمیسیون اروپا مورد توجه قرار گرفته است. از جمله این اسناد می توان به بیانیه، اعلامیه و گزارشات متعدد در زمینه حقوق بشری علیه ایران اشاره کرد که مواردی نظیر مجازات اعدام، سنگسار، اصلاح قوانین کیفری و قضایی، حقوق زنان، حقوق کودک، آزادی بیان و عقیده، آزادی اطلاعات و آزادی اقلیت ها (جامعه بهایی و صوفی) و حوادث بعد از انتخابات ۲۰۰۹ ریاست جمهوری را در بر می گیرد. اتحادیه اروپا اکثر مواقع از بنیان صدور قطعنامه علیه جمهوری اسلامی ایران بوده است. اگر چه گزارش ها، اعلامیه،

قطعنامه های منتشر شده فاقد ضمانت اجرا بوده و لازم الاجرا نیست اما بیانگر دیدگاه های نمایندگان کشورهای عضو اتحادیه نسبت به جمهوری اسلامی ایران می باشد و از طرفی تاثیر خود را بر ایران در عرصه بین المللی به جای خواهد گذاشت. اتحادیه اروپا همواره رفتاری همراه با یک سیری نوسانی، شکننده و ناپایدار در خصوص همکاری سیاسی، اقتصادی با جمهوری اسلامی ایران با در نظر گرفتن متغیر حقوق بشر داشته است. (الوندی و کیانی، ۱۳۹۳ : ۱۰-۹) در ادامه برای مثال به بررسی چند نمونه از این بیانیه ها که در رابطه با موضوعات حقوق بشر علیه جمهوری اسلامی ایران تصویب و منتشر گشته است، می پردازیم:

اعلام دولت اصلاحات مبنی بر رعایت آزادی بیان با اینکه ابتدا با استقبال اتحادیه مواجه شد، اما در ۱۶ دسامبر ۱۹۹۸ این اتحادیه ضمن ابراز نگرانی از ارباب نویسندگان و روشنفکران در ایران، تاکید کرد که احترام به حقوق بشر و آزادی های اساسی از جمله آزادی بیان از اهمیت برخوردار هستند؛ و ایران ملزم به رعایت این موارد است.

کمیسیون در گزارش ۷ فوریه ۲۰۰۱ درباره راههای گسترش روابط با ایران، حقوق بشر، حقوق زنان و اقلیت ها را جزء چالش های حقوق بشری اعلام کرده است، که برای داشتن روابط نزدیکتر باید حل و فصل شوند. کمیسیون اروپا ( به عنوان بازوی اجرایی اتحادیه ) در گزارش ماه فوریه سال ۲۰۰۳ خود به طور واضح خواستار همکاری جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک شریک با ثبات تر در منطقه برای اتحادیه شده و ارتقای سطح دموکراسی و احترام بیشتر به حقوق بشر را لازمه این امر دانسته است.

گزارش ماه فوریه سال ۲۰۰۴ کمیسیون اروپایی برای توسعه مناسبات با ایران هم دلایل سیاسی و هم دلایل اقتصادی را مورد توجه قرار می دهد در این گزارش آمده است: ایران منبع مهم نفت و گاز در یک منطقه مهم استراتژیک است و منافع عمده ای در مناطق همجوار و از جمله آسیای مرکزی و قفقاز دارد. ایران به عنوان یک شریک اقتصادی منطقه ای از پتانسیل های قوی برخوردار می باشد و می تواند فرصتهای مهمی را برای تجارت و سرمایه گذاری در اختیار اروپا قرار دهد و این پتانسیل در



صورتی توسعه خواهد یافت که سیاستهای اقتصادی و تجاری ایران به طور کلی مورد بازنگری و تجدید نظر قرار گیرد. علاوه بر آن ارتقای سطح دموکراسی و احترام بیشتر به حقوق بشر به ایران کمک خواهد کرد تا شریک باثبات تری برای اتحادیه اروپا در منطقه باشد. (امیدی و خدری، ۱۳۹۴: ۶۷-۶۸)

اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۰ اقدامات صورت گرفته توسط ایران در جلوگیری از شهروندان خود از مخابره و دریافت اطلاعات از طریق تلویزیون، رادیو، ماهواره و اینترنت را نگران کننده می داند. اتحادیه اروپا از مقامات ایران می خواهد تا پخش پارازیت بر ماهواره و فیلتر کردن اینترنت را متوقف کند در این بیانیه از ایران خواسته شده که حق آزادی بیان تنظیم شده در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، که ایران آن را امضاء و تصویب کرده است، را تامین کند. (امیدی و خدری، ۱۳۹۴: ۷۲)

#### ۴- سیاست حقوق بشری اتحادیه اروپا در قبال عربستان سعودی

کشورهای اروپایی و منطقه خاورمیانه خصوصا کشورهای حاشیه خلیج فارس از گذشته پیوندهای عمیق اقتصادی، سیاسی و جغرافیایی با یکدیگر داشته اند. هر چند، اروپا نسبت به بازیگری در زمینه امنیت در خاورمیانه شدیداً محدود گردیده اما می تواند به لحاظ اقتصادی و عمدتاً استراتژی امنیتی، نفوذ گسترده ای را در منطقه به دست آورد. گرچه این نفوذ خود موقوف به ثبات است، از سویی اتحادیه اروپا یک بلوک تجاری پرتنوع می باشد که به شکل گسترده ای به صدور محصولات ساخته شده وابسته است، در حالی که اقتصاد کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس تحت سلطه بخش انرژی است در واقع، نفت و نفت خام ۹۵ درصد از صادرات کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس را تشکیل می دهد. (Saleh, 1999: 89) در سال ۱۹۸۸، جامعه اروپا و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، به منظور گسترش همکاریها وارد مذاکراتی شدند و این گفتگوها منجر به توافقنامه همکاری بین اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس شد که این توافقنامه در ۲۵ فوریه ۱۹۸۹ امضاء و در سال ۱۹۹۰ وارد مرحله عملی گردید. (آقاعلیخانی، ۱۳۹۰: ۵۳-۵۴) کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس به ویژه عربستان سعودی علاوه بر همکاری های سیاسی، اقتصادی- تجاری از نقطه نظر نظامی نیز دارای روابط دو جانبه ای با

کشورهای عضو اتحادیه اروپا هستند. (گلشن پژوه، ۱۳۸۸: ۲۳۹) برای مثال: طبق گزارش اشیگل اتحادیه اروپا یکی از بزرگترین صادر کنندگان اسلحه به کشورهای خاورمیانه می باشد. در سال ۲۰۱۰ کشورهای عضو اتحادیه اروپا حداقل به ارزش ۳/۳ میلیارد یورو تجهیزات نظامی به عربستان سعودی صادر نمودند. (الوندی و کیانی، ۱۳۹۳: ۱۶) همچنین بر اساس گزارشی از موسسه تحقیقاتی صلح استکهلم حجم تجارت جنگ افزارها بین اتحادیه اروپا و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در سال ۲۰۱۲ نسبت به پنج سال گذشته، ۲۴ درصد افزایش داشته است. کشور آلمان از نظر فروش اسلحه در جایگاه سوم (۹ درصد فروش کل) در سراسر جهان قرار دارد. (Grimmet, 2011:214) از طرفی در سال ۲۰۰۹ اروپاییان قوانینی را برای صادرات اسلحه و مهمات به منظور کنترل تجارت تجهیزات نظامی اتخاذ نمودند. این قوانین حاکی از این است که از صادرات سلاح های جنگی به منظور اهداف نامطلوب نظیر سرکوب داخلی و تجاوزهای بین المللی باید اجتناب گردد. اما برخی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا این قانون را نادیده گرفته و سلاح های جنگی را به کشورهای منطقه خلیج فارس بالاخص عربستان سعودی که به عنوان یک بازیگر اقتصادی، سیاسی موثر در منطقه حاشیه جنوبی خلیج فارس بوده صادر می نمایند. (Levesque, 2012:1)

### پارلمان اروپا و حقوق بشر در عربستان سعودی

پارلمان اروپا قطعنامه ای با عنوان روابط اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس در تاریخ ۲۴ مارس ۲۰۱۱ تصویب نمود. این قطعنامه اهمیت ژئوپلیتیک منطقه خلیج فارس را مورد تاکید قرار داده و همچنین به تداوم همکاری میان اتحادیه اروپا و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در زمینه اقتصادی، آموزشی و تجارت آزاد تاکید دارد. در ضمن مباحثی نظیر وضعیت کارگران مهاجر، کارگران خارجی، اصلاح قوانین قضایی - کیفری و اصلاح قوانین کار را در زمینه وضعیت حقوق بشر در عربستان سعودی را یادآور می شود. (الوندی و کیانی، ۱۳۹۳: ۱۲) همچنین، پارلمان اتحادیه اروپا در تاریخ ۱۱ مارس ۲۰۱۴ قطعنامه ای را علیه عربستان سعودی تحت عنوان ارتباط عربستان سعودی با اتحادیه اروپا و نقش آن در خاورمیانه و شمال آفریقا

تصویب نمود. این قطعنامه موضوعاتی از قبیل توافقنامه تجارت آزاد، توافقنامه همکاری اتحادیه اروپا - شورای همکاری خلیج فارس و مباحث حقوق بشری را دربر می گیرد. قطعنامه مذکور دارای یک مقدمه و ۴۹ بند می باشد، که مباحث و موضوعات حقوق بشری بیشترین مواد آن را در بر گرفته است. پارلمان اروپا در این قطعنامه در ارتباط با موارد نقض حقوق بشر در عربستان سعودی نظیر بازداشت های خودسرانه، حبس زندانیان عقیدتی و مدافعان حقوق بشر، مجازات اعدام، سنگسار، اعدام متخلفان نوجوان زیر ۱۸ سال، شکنجه زندانیان و بازداشت شدگان، محاکمه غیر عادلانه قضایی، منع ازدواج کودکان (حداقل سن ازدواج)، منع آزادی بیان، منع آزادی رسانه ها، مطبوعات و شبکه اجتماعی مجازی به شدت احساس نگرانی می کند. اتحادیه اروپا، از مقامات حکومت عربستان می خواهد که به عنوان عضوی از شورای حقوق بشر سازمان ملل به اصول حقوق بشر و دموکراسی احترام و ارزش نهاده و چندین سند مهم حقوق بشر مانند منشور حقوق بشر عرب، کنوانسیون حقوق کودک، کنوانسیون منع شکنجه و کنوانسیون منع هرگونه تبعیض علیه زنان را محترم بشمارند و اساسنامه دادگاه بین المللی کیفری را امضاء و تصویب نماید. همچنین سیستم قضایی بر مبنای قوانین شریعت شان را از طریق آشنایی با استانداردهای بین المللی از جمله فرآیند دستگیری، حبس، محاکمه و حقوق زندانیان، بهبود و ارتقاء بخشند. در این قطعنامه اتحادیه اروپا به این نکته اشاره دارد که با توجه به اصلاحات تدریجی و متوسطی که از سال ۲۰۰۱ در عربستان انجام پذیرفته، اما از آنجا که آن اصلاحات هنوز نهادینه نشده اند، به آسانی می توانند به حالت قبل باز گردند. ضمناً بیان می کند که سابقه حقوق بشر در این کشور تاریک بوده و یک شکاف اساسی بین تعهدات بین المللی و اجرایی شدن آنها در عربستان وجود دارد. همچنین برغم اینکه از دفتر کمیسیون عالی حقوق بشر سازمان ملل، به همه دولت‌ها مبتنی بر تمدید دعوتنامه رسمی به گزارش گران ویژه ابلاغ شده بود، مقامات عربستان سعودی دعوتنامه گزارشگر ویژه سازمان ملل در ارتباط با موضوع شکنجه و مدافعان حقوق بشر را ارسال ننموده اند. (قطعنامه ۱۱ مارس ۲۰۱۴ پارلمان اروپا علیه عربستان، ۲۰۱۶)

### کمیسیون اروپا و حقوق بشر در عربستان سعودی

انتقادات اتحادیه اروپا علاوه بر قطعنامه، در ارتباط با موارد نقض حقوق بشر در عربستان سعودی در قالب گزارش سالانه، بیانیه و اعلامیه نیز منتشر می شود. در اینجا به هفت مورد بیانیه از سوی نماینده عالی رتبه اتحادیه اروپا، در ارتباط با وضعیت حقوق بشر در عربستان سعودی اشاره می شود که عبارتند از: مجازات اعدام (۲۴ می ۲۰۱۳)، اعدام هفت جوان سعودی به جرم سرقت مسلحانه (۱۳ مارس ۲۰۱۳)، اعدام کارگر خارجی سریلانکایی، ریزانا نافیک (۱۰ ژانویه ۲۰۱۳)، شرکت سیاسی زنان (۲۶ سپتامبر ۲۰۱۱)، اعتراض رانندگان زن (۲۳ ژوئن ۲۰۱۱)، مجازات مرگ و اعدام (۱۱ دسامبر ۲۰۰۹)، اعدام سه شهروند خارجی (۶ نوامبر ۲۰۰۹) در گزارش سالانه ۲۰۱۱ حقوق بشر و دموکراسی اتحادیه اروپا آمده است: میزان اعدامها در سال ۲۰۱۱ در عربستان سعودی افزایش یافته و حتی در میان آمار اعدام شدگان، افرادی با جرم هایی در ارتباط با مواد مخدر و جادوگری نیز مشاهده شده است. از مقامات دولت عربستان خواسته شده تا در ارتقای آزادی های اساسی حقوق بشر به ویژه آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی مذهب و عقیده، آزادی اجتماعات بکوشد و همچنین به حقوق زنان و حقوق کودک در کشور احترام بگذارد و اصلاحاتی را در ارتباط با قانون کار و بهبود وضعیت کارگران مهاجر انجام دهد. گزارش سالانه ۲۰۱۱ حقوق بشر و دموکراسی در جهان اتحادیه اروپا، ۲۲۸ با وجود گزارش، بیانیه، اعلامیه و قطعنامه های مختلف از سوی کمیته روابط خارجی اتحادیه اروپا، کمیسیون و پارلمان اروپا در ارتباط با نقض حقوق بشر در عربستان سعودی، همچنان همکاری دوجانبه ای میان اتحادیه اروپا و عربستان سعودی در زمینه های مختلف سیاسی، اقتصادی و تجاری وجود دارد و اتحادیه اروپا، دولت عربستان سعودی را شریک اصلی تجاری خود در این منطقه می داند. همچنین تعداد زیادی از شرکتهای اتحادیه اروپا، از بزرگترین سرمایه گذاران، به ویژه در زمینه صنعت نفت در عربستان سعودی می باشند و این کشور مهمترین بازار برای صادرات کالاهای صنعتی اتحادیه اروپا در زمینه دفاعی، حمل و نقل، پزشکی و صنعت خودرومی باشد. همچنین اتحادیه اروپا اقدام به برنامه ریزی در جهت تشدید وابستگی متقابل اقتصادی با منطقه خاورمیانه بالاخص حاشیه خلیج فارس نموده است تا به این ترتیب هیچ دولتی در منطقه، روابط

خوب خود را با جامعه اروپا بر سر یک منازعه منطقه ای به خطر نیندازد. (وون لئوون، ۱۹۹۹، ص ۸)

به نظر می رسد، نقض آشکار حقوق بشر در عربستان سعودی، خللی در روابط اتحادیه اروپا با این کشور در زمینه مسائل سیاسی، اقتصادی - تجاری وارد نموده و همچنین موضوع حقوق بشر در ادامه همکاری با عربستان سعودی در اولویت سیاست خارجی اتحادیه اروپا قرار نمی گیرد و به عنوان متغیر اصلی، کلیه روابط را دستخوش سیر تغییرات قرار نمی دهد. از یک طرف، طبق گزارش سالانه حقوق بشر ۲۰۱۱ اتحادیه اروپا، در عربستان سعودی، حداقل استانداردهای حقوق بشری رعایت نمی شود. از طرفی دیگر، طبق ماده ۲ پیمان اتحادیه اروپا، این اتحادیه بر اساس احترام به شان، آزادی، دموکراسی، برابری، قوانین حقوقی و احترام به حقوق بشر پایه گذاری شده است و علاوه بر این، اتحادیه مایل به پیاده نمودن این ارزش ها در روابط خارجی خود می باشد. در اینجا این تناقض آشکار را می توان مشاهده نمود، که اتحادیه اروپا با کشوری که دارای نازلترین استانداردهای حقوق بشری است، بالاترین سطح روابط سیاسی، اقتصادی را برقرار نموده است و ارزشهای حقوق بشری در جایگاهی پایین تر از سطح معاملات دو جانبه قرار دارد. همچنین اتحادیه اروپا با وجود کشتار و سرکوب شدید مخالفین و غیر نظامیان توسط ارتش بحرین و عربستان سعودی، تغییر و نوسانی در مناسبات خود با کشور عربستان ایجاد ننمود و اولویت حقوق بشر در روابط خارجی اتحادیه اروپا و کشورهای این منطقه کم رنگ بنظر می رسد. (لیسر، ۲۰۱۲، ص ۱۲۳) از این رو، واکنش و عکس العمل خاصی مبنی بر تحریمهای یک جانبه یا چند جانبه اقتصادی، تجاری و نظامی علیه این کشورها دیده نمی شود و این در حالی است که کشورهای این منطقه تا سطح استانداردهای بین المللی در زمینه دموکراسی و حقوق بشر فاصله زیادی دارند.

### نتیجه گیری

حقوق بشر یکی از مسائل مورد تاکید اتحادیه اروپا در روابط با کشورهاست به گونه ای که از اوایل دهه ۱۹۹۰ و در اسناد مربوط به این اتحادیه حقوق بشر به عنوان

مبنای ایدئولوژیک سیاست خارجی این اتحادیه معرفی شده است. برقراری روابط با سایر کشورها منوط به رعایت حقوق بشر توسط آن کشورها شده است و همواره در سیاست خارجی این اتحادیه بر حقوق بشر به عنوان رکن اساسی تاکید گردیده، اما واقعیت مسئله این است که سیاست های حقوق بشری اتحادیه اروپا در قبال کشورهای دیگر تابعی از منافع و نوع روابط این اتحادیه با کشورهای مذکور می باشد به عبارتی، برقراری روابط سیاسی، اقتصادی، نظامی اتحادیه اروپا با کشورها، مبنای و در نتیجه کسب منافع مورد نظر هدف اصلی این اتحادیه بوده و حقوق بشر به ابزاری در دست این اتحادیه در جهت دستیابی به اهدافش تبدیل شده است به گونه ای که این اتحادیه به بهانه نقض حقوق بشر در برخی کشورها به مداخله در امور داخلی این کشورها پرداخته و برقراری روابط سیاسی، اقتصادی، نظامی خود را با این کشورها به رعایت حقوق بشر توسط این کشورها منوط کرده است.

سوالی که در این مقاله مطرح شده این است که سیاست حقوق بشری اتحادیه اروپا در قبال جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی چگونه است؟ پاسخی که به عنوان فرضیه مطرح می گردد این است که سیاست حقوق بشری اتحادیه اروپا به دلیل روابط سیاسی، تجاری - اقتصادی متفاوت با کشورهای نامبرده به صورت متعارض و دوگانه است. این مقاله در تلاش است به شیوه ای تطبیقی نقض استانداردهای حقوق بشری مورد نظر و تعریف شده، از سوی اتحادیه اروپا در قبال جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی را تحلیل و تاثیر رفتار آن بر سیاست خارجی این اتحادیه در قبال آنها را بررسی نماید.

در رابطه با کشورهای مورد بررسی در این پژوهش (جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی) می توان به این نتیجه رسید که اتحادیه اروپا با توجه به نوع روابط با این کشورها و با توجه به منافع مشترک و یا تعارض منافع خود با این کشورها، برخورد دو گانه ای را با کشورهای مذکور داشته است به گونه ای که حقوق بشر به ابزاری جهت مداخله در امور داخلی این کشورها تبدیل شده و نوع روابط اتحادیه با این کشورها را تحت تاثیر قرار داده است. در رابطه با جمهوری اسلامی ایران می توان به این نتیجه رسید که به دلیل اینکه سیاست های این کشور هم راستا با سیاست های اتحادیه اروپا

نبوده و دارای منافع مشترک زیادی نیستند و حتی در برخی موارد در رابطه بین این اتحادیه و جمهوری اسلامی ایران تعارض منافع و تنش مشاهده می‌گردد، حقوق بشر دستاویزی جهت اتخاذ سیاست‌هایی توسط اتحادیه اروپا در این کشور شده به گونه‌ای که در مواردی منجر به دخالت در امور داخلی جمهوری اسلامی ایران به بهانه عدم رعایت موازین حقوق بشری گردیده که با واکنش و ناراضیاتی مقامات جمهوری اسلامی ایران مواجه شده است. با توجه به ادعای اتحادیه اروپا، عدم رعایت موازین حقوق بشری در جمهوری اسلامی ایران یکی از عوامل اصلی کاهش روابط بین این اتحادیه و جمهوری اسلامی ایران می‌باشد و این عامل باعث شده تا سطح روابط در زمینه‌های مختلف کاهش پیدا کرده و در مواردی قطع شود. در زمینه اقتصادی و دستیابی جمهوری اسلامی ایران به سرمایه‌گذاری‌های خارجی و فناوری‌های جدید و پیشرفته تحریم‌هایی علیه جمهوری اسلامی ایران وضع گردیده است که برخی از آنها تحریم‌های مربوط به نقض موارد حقوق بشر است. این تحریم‌ها باعث کاهش روابط بین طرفین گردیده است که در مواردی این تحریم‌ها و مجازات‌های اقتصادی مورد تایید و حمایت اتحادیه اروپا قرار گرفته است. البته، در برخی موارد سرمایه‌گذاری‌هایی توسط این اتحادیه در صنایع نفت و گاز جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته که این قراردادهای سود زیادی را نصیب کشورهای این اتحادیه کرده است و همین سود کلان عامل اصلی سرمایه‌گذاری این کشورها بوده است، به گونه‌ای که قبل از تحریم بانک مرکزی و صنعت نفت در سال ۲۰۱۲ اتحادیه اروپا یکی از بزرگترین طرف‌های تجاری ایران بوده است. البته به نظر می‌رسد بیشترین تاثیر مسائل حقوق بشری و روابط اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی ایران در حوزه سیاسی و نظامی باشد که این امر موجب کاهش سطح روابط سیاسی و دیپلماتیک و توقف همکاری‌های نظامی بین طرفین شده است. این مسئله نشان می‌دهد که اتحادیه اروپا در هر زمینه که منافع این اتحادیه مدنظر باشد بدون توجه و بدون در نظر گرفتن مسائل حقوق بشری عمل خواهد نمود. بنا بر ادعای این اتحادیه، در مواردی چون حقوق زنان، کودکان، حقوق اقلیت‌ها، آزادی بیان، آزادی مطبوعات حقوق بشر در ایران نقض می‌شود این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران در مقایسه با کشورهای چو عربستان سعودی این حقوق را تا

حد بسیار زیادی رعایت کرده و به بسیاری از کنوانسیون های بین المللی مربوط به حقوق بشر پیوسته است. با وجود این اقدامات و اصلاحات صورت گرفته توسط جمهوری اسلامی ایران، در نهاد های مختلف بین المللی مانند شورای حقوق بشر، مجمع عمومی سازمان ملل متحد قطعنامه هایی با عناوین مختلف به بهانه نقض حقوق بشر علیه جمهوری اسلامی ایران صادر شده است که اتحادیه اروپا در برخی از این قطعنامه ها بانی و در برخی دیگر نقش هم بانی گری را بازی کرده است و سهم بسزایی در تصویب این قطعنامه ها به عهده داشته است. همچنین این اتحادیه در قالب نهادهای مختلف خود از جمله پارلمان اروپا و کمیسیون اروپا نیز در مقاطع زمانی مختلف گزارشات، بیانیه ها و قطعنامه هایی علیه جمهوری اسلامی ایران صادر کرده است. همه این موارد نشان دهنده این مطلب است که اتحادیه اروپا در جهت دستیابی به اهداف خود و تحت تاثیر قرار دادن سیاست ها و اقدامات جمهوری اسلامی ایران از حقوق بشر به عنوان ابزاری جهت دستیابی به منافع و خواسته های خود استفاده کرده است.

در رابطه با عربستان سعودی می توان گفت اتحادیه اروپا به دلیل روابط ویژه ای که با این کشور دارد از جمله تامین انرژی مورد نظر این اتحادیه و همچنین بازار پرسود این کشور برای فروش تسلیحات و جنگ افزارهای تولید شده در برخی کشور های قدرتمند این اتحادیه و به طور کلی بالا بودن روابط در کلیه زمینه ها، نقض جدی و مستمر حقوق بشر توسط این کشور از جانب اتحادیه اروپا نادیده گرفته شده است به گونه ای که مسئله حقوق بشر در رابطه این اتحادیه با عربستان سعودی در اولویت قرار ندارد این در حالی است که عربستان سعودی از جمله کشورهایی است که حقوق بشر به طور جدی و مستمر در دوران متعدد در آن نقض شده است. برای مثال، می توان به نقض حقوق زنان، حقوق کودکان، حقوق اقلیت ها (بویژه شیعیان)، حقوق مهاجران یا حقوق اتباع خارجی (کارگران خارجی مشغول در عربستان سعودی)، آزادی بیان، آزادی مطبوعات اشاره کرد. همچنین این کشور از جمله مهمترین کشورهایی است که انتخابات سراسری آزاد که نماد دموکراسی و مردم سالاری است در آن برگزار نمی شود و تمام مقامات کشوری و لشکری بدون توجه به نظر و خواست مردم از جانب خاندان حکومتی انتخاب می شوند. سازمان های حقوق بشری چه داخلی و چه سازمان های بین المللی حق



فعالیت در عربستان سعودی را ندارند و به آنها مجوز فعالیت داده نمی شود. فعالان حقوق بشری نیز در صورت هر گونه اقدام یا فعالیت سریعاً تحت پیگرد قرار می گیرند. اگر چه اتحادیه اروپا در پارلمان و کمیسیون اروپا قطعنامه هایی را علیه نقض حقوق بشر در عربستان سعودی صادر کرده است اما عملکرد اتحادیه اروپا از حد صدور قطعنامه، بیانیه و گزارش فراتر نرفته است. به عبارت دیگر، این اعتراض فقط در حد بیان بوده است و اقدامات عملی و جدی در راستای برخورد با نقض حقوق بشر در این کشور صورت نگرفته است. اگر چه به دلیل صدور این قطعنامه ها و اعتراضات توسط اتحادیه اروپا، دولت عربستان یک رشته اقدامات محدودی را صورت داده است ولی این اقدامات ناکافی بوده و یا در حد بیانیه و حرف باقی مانده است و تبدیل به قانون نشده است. در رابطه با عربستان سعودی می توان به این نتیجه رسید که اتحادیه اروپا به دلیل اینکه دارای سیاست ها و منافع مشترک با این کشور است نقض حقوق بشر تاثير چندانی در روابط این اتحادیه با عربستان سعودی نداشته است به گونه ای که روابط این کشور در زمینه های مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی با اتحادیه اروپا پابرجا بوده و در مواردی نیز گسترش یافته است، برای مثال در دهه های گذشته عربستان یکی از شرکای اصلی تجاری اتحادیه اروپا در منطقه خلیج فارس بوده و تعداد زیادی از شرکتهای سرمایه گذاری عربستان در زمینه نفت، اروپایی می باشند و همچنین اتحادیه اروپا در حوزه های دفاعی - نظامی در سال ۲۰۱۲ بیشترین میزان صادرات اسلحه و جنگ افزار را با در نظر گرفتن اهداف خود، به کشورهای حاشیه جنوبی منطقه بالاخص عربستان سعودی داشته است. سیاست های حقوق بشری اتحادیه اروپا در قبال کشورهای مورد مطالعه سیاستی دو گانه و متعارض است. به گونه ای که در کشورهایی که دارای منافع بوده و در راستای سیاست های این اتحادیه عمل می کنند مانند عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی نقض حقوق بشر نادیده گرفته شده است، ولی در کشورهایی مانند جمهوری اسلامی ایران که دارای منافع مشترک با اتحادیه اروپا نیستند و اقدامات و عملکردشان موازی با این اتحادیه نیست و حتی گاهی عملکرد متعارض دارند نقض حقوق بشر دستاویزی جهت مداخله در امور داخلی آنها می گردد.

## منابع و مأخذ

۱. الوندی، زهرا و کیانی، داوود، (۱۳۹۳) «سیاست حقوق بشری اتحادیه اروپا در قبال جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی (از ۲۰۰۸ تاکنون)»، پژوهشنامه روابط بین الملل، دوره ۷، شماره ۲۸.
۲. آقاعلیخانی، مهدی، (۱۳۹۰) «بررسی روابط اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس از منظر امنیت انرژی و تاثیر آن بر ایران»، فصلنامه علوم سیاسی: دانشگاه آزاد کرج، شماره ۱۸.
۳. امید، علی و خدری، فاطمه، (۱۳۹۴) «نقش حقوق بشر در روابط ایران و اتحادیه اروپا در ۱۳۹۲-۱۳۷۶» فصلنامه پژوهشهای سیاسی، شماره ۱۴.
۴. جعفری ولدانی، اصغر، (۱۳۸۲)، ایران و اروپا: از گفتگوی انتقادی تا گفتگوی مشروط (در کتاب اروپا ۲) ویژه روابط ایران و اتحادیه اروپا، انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران، چاپ نخست.
۵. خرازی، فردین (۱۳۸۵)، «تحلیلی بر قطعنامه اخیر پارلمان اروپا در مورد وضع حقوق بشر ایران»، گزارش راهبردی معاونت پژوهش های روابط بین الملل مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، شماره ۸۹.
۶. عباسی، مجید، (۱۳۹۲)، چالش های سیاست خارجی ایران و اتحادیه اروپا، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۷. عباسی، مجید، (۱۳۹۲) «نقش حقوق بشر در واگرایی سیاسی جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا»، فصلنامه پژوهشهای راهبردی سیاست، سال دوم، شماره ۵.
۸. عبدالعلی، قوام، (۱۳۸۸)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل، تهران: انتشارات سمت، چاپ پانزدهم.
۹. غائبی، محمدرضا، (۱۳۸۸) «اتحادیه اروپا و موضوع حقوق بشر در کشورهای جهان سوم: رهیافت گفتگوهای حقوق بشری»، پژوهش نامه روابط بین الملل، شماره ۳۹.

۱۰. گلشن پژوه، محمودرضا، (۱۳۸۸)، **حقوق بشر در جهان: روندها، موردها و واکنش ها**، تهران: انتشارات معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی، چاپ نخست.
۱۱. گلشن پژوه، محمودرضا، (۱۳۹۰)، **حقوق بشر و جایگاه آن در سیاست اتحادیه اروپا در قبال ایران در کتاب اروپا (۱۰) ویژه روابط ایران و اتحادیه اروپا**، تدوین و گردآوری: بهزاد احمدی لفورکی، انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر، تهران، چاپ نخست.
۱۲. مصفا، نسرین و نبی الله ابراهیمی، (۱۳۸۷)، «جایگاه حقوق بشر در نظریه های روابط بین الملل»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، شماره ۴.
13. Alston, Philip (2000), **European Union and Human Rights**, Oxford: Oxford University press.
14. Grimmet, Richard F., (2011), **Conventional Arms Transfers to Developing Nations, 2003-2010**, CRS Report for Congress.
15. Leser, Leviten, (2012), **Weapons Expo: Exports: EU Nations Sell the Most Arms to Saudi Arabia**, Der Spiegel, No. 12
16. Levesque, Julie (2012), **Massive EU Weapons Sales to Saudi Arabia Contribute to Fuelling International Aggression and Terrorism in the Middle East**, Global Research.
17. Saleh, Nivien, (1999), **The European Union and Gulf States: A Growing Partnership**. Middle East Policy, Vol.7, No.1.
18. Von Leeuwen, Marianne (1999), **EU and US Security Relations and the New Transatlantic Agenda**, Netherlands: Institute of International Relations.
19. European Parliament resolution of 11 March 2014 on Saudi Arabia, its relations with the EU and its role in the Middle East and North Africa (2013/2147(INI))
20. Human rights and Democracy in the world Report on EU action 2011. Cited in: <http://eeas.europa.eu>.

21. European Parliament resolution of 4 September 2008 on executions in Iran. Cited in [www.europarl.eu/sides/reference=p6-TA-2016-0412](http://www.europarl.eu/sides/reference=p6-TA-2016-0412).
22. European Parliament resolution of 14 June 2012 on Situation of ethnic minorities in Iran. Cited in: [www.europarl.eu/sides/reference=B7-2016-0311](http://www.europarl.eu/sides/reference=B7-2016-0311)
23. European Parliament resolution on the EU strategy towards Iran (2014/2625(RSP)) \_ B7-0279/2016. Cited In: [www.europarl.europa.eu/sides/getDoc.do?type=MOTION&reference=B7-2014-0279&language=EN](http://www.europarl.europa.eu/sides/getDoc.do?type=MOTION&reference=B7-2014-0279&language=EN), 4.21.2014

